

رژیم صهیونیستی بازنده اصلی تحولات اخیر غرب آسیا

چطور نتانياهو در آفسايد ماند؟

»



www.Fdn.ir | Thu | 27 Dec 2018 | vol.10 | No. 2667 | 16 Pages

دوروز پس از حادثه غم بار دانشگاه علوم و تحقیقات تلاش مسئولان برای کاهش رنج بازماندگان ادامه دارد

التیام زخم دانشگاه باشیم

■ چه کسی دانشگاه را در ارتفاع ۱۸۰۰ متری ساخت؟

■ مصدومان نگران امتحانات نباشند
■ چرا تله کابین آدرس غلط است؟

»

گفت‌وگوی اختصاصی «فرهیختگان» با ستاره استقلال

جباروف: برای کمک به استقلال آماده‌ام

»

تمرکز بودجه ۹۸ بر فروش اوراق تبعات جدی برای اقتصاد دارد

اوراق فروشی یا آینده‌فروشی

»

چرا ضعیف‌ترین کارهای دهنمکی از «مارموز» کمال تبریزی قوی‌تر است؟

شاگرد تنبل کلاس دهنمکی

»



■ آخرین وضعیت مصدومان حادثه

بودجه ۲ درصد فرهنگی چگونه با عملیات روانی تبدیل به مساله اصلی می‌شود؟

هنر جنگ روانی به جای بودجه‌نویسی

»



۵ مدیر واحد علوم و تحقیقات برکنار و اخراج شدند

کمیته ویژه پیگیری سانحه مصیبت‌بار تصادف اتوبوس دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات که براساس دستور رئیس دانشگاه آزاد اسلامی تشکیل شد، طی اطلاعیه‌ای خبر از برکناری پنج نفر از معاونان و مدیران دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات داد و اعلام کرد پرونده آنها به جهت اخراج در اختیار «مراجع قانونی» قرار خواهد گرفت.

متن این اطلاعیه به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
انا لله و انا اليه راجعون

پیرو ضایعه مصیبت‌بار جان‌باختن تعدادی از عزیزترین فرزندان جامعه علمی کشور و با عنایت به اختیارات واگذارشده توسط رئیس محترم دانشگاه در چارچوب اساسنامه در جلسه فوق‌العاده کمیته ویژه پیگیری سانحه مصیبت‌بار اتوبوس واحد علوم و تحقیقات با حضور مسئولان و بررسی پاسخ‌های اعلان و احراز تقصیر پیمانکار ترابری اتوبوس‌های دانشجویان واحد علوم و تحقیقات که اینک با ورود مراجع قضایی در حال بررسی و پیگیری است، و ایضا قصور و بی‌توجهی برخی از معاونان و مدیران واحد علوم و تحقیقات نسبت به نظارت بر برون‌سپاری و تأمین امنیت تردد دانشجویان و عدم احراز صلاحیت حرفه‌ای پیمانکار و براساس گزارشات و مستندات دستگاه‌های بازرسی و نظارتی مقرر شد تا «معاون دانشجویی» و «مدیرکل دانشجویی» واحد علوم و تحقیقات به اتفاق سرپرست معاونت اداری و مالی وقت و مدیرکل اداری وقت و مسئول ترابری وقت واحد علوم و تحقیقات که کارفرما و ناظر قرارداد برون‌سپاری ترابری اتوبوس‌های دانشجویی بودند و سبب مدیریت و قصور آنها در این قفره به جهت مدیریتی مسجل شده است، برکنار و به جهت اخراج به مراجع قانونی ذی‌ربط معرفی شوند. کمیته ویژه پیگیری دانشگاه آزاد اسلامی تا آخرین مرحله برای احقاق حقوق عزیزترین فرزندان دانشگاه آزاد اسلامی بدون هیچ ملاحظه سیاسی، گروهی و جناحی این مهم را پیگیری کرده و در هر مرحله گزارش آن را به افکارعمومی ارائه خواهد داد. در پایان ضمن ابراز همدردی و تأسف شدید بار دیگر برای خانواده درگذشتگان طلب صبر و برای محرومان شغای عاجل از درگاه ایزد منان مسالت داریم.

جای خالی اکوسیستم «کایزنی» در دانشگاه‌ها



محمد رضا حیاتی

روزنامه‌نگار

۱- چندروزی است در شمال تهران، نمایشگاهی بسیاری از دانشگاه‌ها را درگیر خود کرده، نمایشگاهی که هدف آن نشان دادن یک «تصویر هوایی» از دانشگاه مساله‌محور، صاحب ایده و دغدغه‌مند برای حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی مردم است. نوزدهمین نمایشگاه دستاوردهای پژوهشی، فناوری و فن بازار دانشگاه‌ها مدتی است در نمایشگاه بین‌المللی تهران برگزار می‌شود. نمایشگاهی که به گفته مسئولان آن ۵۱ دانشگاه، ۱۵ پژوهشگاه، ۴۰ پارک علم و فناوری، ۷۹ مرکز رشد و ۱۴ موسسه تحقیقاتی با بیش از سه هزار طرح فناوریانه در آن حضور داشتند؛ این فضا، بهانه خوبی شد در سسه روز حضور تمام‌وقت، در برابر چهره واقعی دانشگاه‌ها که این روزها در معرض اتهام «بی‌تفاوتی» نسبت به رویدادهای اجتماعی و اقتصادی است، قرار گیرم و به دنبال پاسخ‌ها بروم. این نمایشگاه با دیگر نمایشگاه‌ها تفاوت‌های زیادی داشت، قطعاً برای یک‌بار هم که شده سری به نمایشگاه‌های تهران زده‌اید، سازه‌های بزرگ و پرهزینه، نورپردازی‌های خاص، پذیرایی‌های مفصل و... اینها چیزی است که در ذهن هرکسی بعد از رفتن به یک نمایشگاه به ثبت می‌رسد، اما در این نمایشگاه خبری از غرفه‌های آنچنانی و... نبود؛ فضای کاملاً علمی و البته «سرد» شاید برای خیلی‌ها جذاب به نظر نرسد، اما آنچه بیش از هرچیز برای نگارنده جذاب به نظر می‌رسید، محصولاتی بود که بدون توضیحات مسئول غرفه حرف‌های زیادی برای گفتن داشت.

۲- به دنبال پاسخ‌ها بودم، اینکه چرا با وجود بیش از ۶۰۰ هزار پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دکتری و فارغ‌التحصیلی سالانه ۲۰ هزار دانشجوی دکتری هنوز آموزش عالی نتوانسته آن‌طور که باید و شاید معضلات اجتماعی و اقتصادی را حل کند؟ آیا وصل بودن شیر نفت به دانشگاه‌ها باعث این مشکل شده است؟ آیا آموزش‌های کاربردی به دانشجو داده نمی‌شود؟ آیا امر پژوهش در ایران یک گزاره «نوپا» است و...؟ به هر غریه‌ای که می‌رسیدم چند دقیقه‌ای این سوالات را با مسئول غرفه در میان می‌گذاشتم و دنبال جواب می‌گشتم. دکتر اسماعیلی یکی از مدیران «موفق» ارتباط صنعت و دانشگاه در قزوین است و کسی است که توانسته «ایده» را به «پول» تبدیل کند. اومی گوید صنعت «تشنه» است و اگر کار «دقیق» و «حساب‌شده» تحویل صنعت بدهی نه تنها «نه» نمی‌گویند بلکه به دنبال می‌آیند. او همچنین از اکوسیستمی حرف می‌زد که در دانشگاه‌های ما جای آن خالی است. این بار به سراغ یکی

دیگر از مدیران صنعت و دانشگاه رفتم. دکتر زنگنه عضو هیات‌علمی دانشگاه که او هم توانسته از ایده به «ثروت» برسد. وی نیز از یک اکوسیستم معیوب در دانشگاه‌ها خبر می‌دهد و می‌گوید مراکز رشد و شتابگرها باید کانال ورودی درستی برای تبدیل ایده به تجاری‌سازی باشند، اما قطعاً این مساله نیاز به حلقه‌های دیگری نیز دارد که باید یک اکوسیستم کامل را ایجاد کند، مثلاً اگر در مرحله ثبت ایده، داوران تصویری دقیق از آینده محصول ارائه ندهند قطعاً آن محصول در مرحله توسعه و نهایی‌تر اهیایی به بازار جامی‌ماند. آنچه که در بین حرف‌های نزدیک همین چرخه معیوب «ایده» تا «بازار» یک محصول بود. به ۵۰ استاد دانشگاه و مدیران موفق مرتبط صنعت و دانشگاه در گفت‌وگو می‌ن با آنها بیشتر نمایان می‌شد تهران پرکار می‌شود. نمایشگاهی که به گفته مسئولان آن ۵۱ دانشگاه، ۱۵ پژوهشگاه، ۴۰ پارک علم و فناوری، ۷۹ مرکز رشد و ۱۴ موسسه تحقیقاتی با بیش از سه هزار طرح فناوریانه در آن حضور داشتند؛ این فضا، بهانه خوبی شد در سسه روز حضور تمام‌وقت، در برابر چهره واقعی دانشگاه‌ها که این روزها در معرض اتهام «بی‌تفاوتی» نسبت به رویدادهای اجتماعی و اقتصادی است، قرار گیرم و به دنبال پاسخ‌ها بروم. این نمایشگاه با دیگر نمایشگاه‌ها تفاوت‌های زیادی داشت، قطعاً برای یک‌بار هم که شده سری به نمایشگاه‌های تهران زده‌اید، سازه‌های بزرگ و پرهزینه، نورپردازی‌های خاص، پذیرایی‌های مفصل و... اینها چیزی است که در ذهن هرکسی بعد از رفتن به یک نمایشگاه به ثبت می‌رسد، اما در این نمایشگاه خبری از غرفه‌های آنچنانی و... نبود؛ فضای کاملاً علمی و البته «سرد» شاید برای خیلی‌ها جذاب به نظر نرسد، اما آنچه بیش از هرچیز برای نگارنده جذاب به نظر می‌رسید، محصولاتی بود که بدون توضیحات مسئول غرفه حرف‌های زیادی برای گفتن داشت.

۳- به دنبال پاسخ‌ها بودم، اینکه چرا با وجود بیش از ۶۰۰ هزار پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دکتری و فارغ‌التحصیلی سالانه ۲۰ هزار دانشجوی دکتری هنوز آموزش عالی نتوانسته آن‌طور که باید و شاید معضلات اجتماعی و اقتصادی را حل کند؟ آیا وصل بودن شیر نفت به دانشگاه‌ها باعث این مشکل شده است؟ آیا آموزش‌های کاربردی به دانشجو داده نمی‌شود؟ آیا امر پژوهش در ایران یک گزاره «نوپا» است و...؟ به هر غریه‌ای که می‌رسیدم چند دقیقه‌ای این سوالات را با مسئول غرفه در میان می‌گذاشتم و دنبال جواب می‌گشتم. دکتر اسماعیلی یکی از مدیران «موفق» ارتباط صنعت و دانشگاه در قزوین است و کسی است که توانسته «ایده» را به «پول» تبدیل کند. اومی گوید صنعت «تشنه» است و اگر کار «دقیق» و «حساب‌شده» تحویل صنعت بدهی نه تنها «نه» نمی‌گویند بلکه به دنبال می‌آیند. او همچنین از اکوسیستمی حرف می‌زد که در دانشگاه‌های ما جای آن خالی است. این بار به سراغ یکی



رضا مشتاقی

روزنامه‌نگار

۱- «خب، اومدیم که یه شعبده‌بازی خفن کنیم! بریم که داشته باشیم...» پسرک نوجوان با خالکوبی روی صورت و مدل موی بوکسوری، رو به دوربین اینها را می‌گوید و می‌چرخد سمت مرد زیاله‌گرد. «عمو خسته نباشی! دست‌های من رو می‌بینی که؟ هیچ چی توش نیست، درسته؟» می‌آید جلو و دست‌هایش را می‌برد پشت سر مرد. دوستش که پشت سر مرد ایستاده ساندویچی را در دست‌های پسرک می‌گذارد و پسر غذا را به مرد می‌دهد. «این برای شما، قابلت رو هم نداره، ولی خداوکیلی قبول داری خالی حال نمی‌ده بخوری؟ یه نوشابه‌ای هم باید باشه دیگه، درسته؟» مرد همچنان بهت‌زده نگاه می‌کند و سر تکان می‌دهد. پسرک دست‌هایش را دوباره پشت سر مرد می‌برد و این بار نوشابه‌ای را می‌گیرد. «اینم نوشابه‌اش که باهاش حال کنی! ولی خداوکیلی یه چیز دیگه هم کنار غذا لازم داری یا نه؟ امروز روز سختی بود، درسته؟ چقدر کار کردی؟» دوباره دست پشت سر مرد می‌برد، این بار چند اسکناس و یک تارول را جلوی چشم‌های متحیر مرد می‌شمرد و به او تحویل می‌دهد، بغش می‌کند و فیلم تمام می‌شود. «۳۰۰ هزار فالور دارد و مثل اکثر اینستاگرام‌های پرطرفدار، تبلیغات جزئی از پست‌هایش است. حتی زیر همین فیلم شعبده‌بازی هم تبلیغ سایت شرط‌بندی را می‌کند. با وجود این می‌گوید «می‌خوام حال‌تون رو خوب کنم» با این کارها. ۲- بهار رهنما خیلی با پسرک تفاوت دارد، خیلی خیلی زیاد. نه به سن و سال یا پسرک قابل مقایسه است، نه از نظر تحصیلات، نه از بابت جنس فعالیت‌ها. حتی از نظر فالور یا پسرک قابل مقایسه نیست. صفحه اینستاگرامش سه میلیون فالور دارد. از یک نظر اما شبیه پسرک است. شب بلدا کیک تولدش را برداشته و رفته است میدان شوش. شمع کیک تولدش را روشن می‌کند و هيجان زده و سرخوش می‌گوید «امشب بهترین تولدمونه به‌خاطر اینکه الان میدون شوشیم با این دوستای عزیزمون. بچه‌ها لباس و غذا آوردن واسه کارتن خواب‌ها. خیلی شب خوبی بود، این کار رو بکنید؛ چند نفری بشید راه بیفتید تو خیابونا. این قدر خوبه، غم و غصه‌های خودتون یادتون می‌ره...» توی کپشن پستش هم نوشته است: «توصیه می‌کنم این

غم بینوایان رخت سرخ کرد؟

جنس از کارهای خیر گروهی رو تجربه کنین که هم برای خودتون هم برای دیگران کلی شادی آفرینه. ۳- دو سال پیش، آن زمان که هنوز نیروی انتظامی لب‌خط شوش را پاک‌سازی نکرده بود و یکی از اصلی‌ترین مناطق تجمع معتادان متجاهر و کارتن‌خواب‌ها به حساب می‌آمد، شب‌ها که شلوغ‌تر می‌شد می‌رفتم و توی لب‌خط می‌چرخیدم؛ امیدوار به کشف رمز و راز محیطی که از دور از هر جنگلی بی‌قاعده‌تر و مخوف‌تر به نظر می‌آمد. گاه گوشه‌ای می‌نشستم، یک نفر کنارم فندک زبر پایپ می‌گرفت و چند متر آن طرف‌تر زنی از بچه‌هایش که به‌زبانی گرفته بودندشان می‌گفت و از هم صحبتش راه چاره‌ای می‌جست تا کودکش را بازپس گیرد. میان این بازار مکاره، یک دفعه سسر و کله ماشین‌ها پیدا می‌شد می‌رفتند، خیلی‌ها شب‌ها می‌آمدند و غذا پخش می‌کردند؛ از مردم عادی گرفته تا سمن‌ها و خیریه‌ها. بعضی شب‌ها شهرت داشت؛ «سه‌شنبه‌شب گروه‌فان» میاد، آرگ میاره و آهنگ می‌زنه، بعضی وقتا لباس هم میارن. «گاهی بین این خیل، ماشین‌های مدل بالایی بود با سرنشین‌های به‌غایت شیک‌پوش و آراسته. چند نفر از سرنشین‌ها پیاده نمی‌شدند. از توی ماشین می‌نشستند به تماشای پخش شدن غذاها توسط همراهان‌شان. انگار که در جست‌وجوی «حال خوب» آمده باشند. کار دیگری نمی‌کردند.

۴- «شما برای چی میاید اینجا به ما کمک می‌کنید، به ما درس می‌دید؟» این سوالی است که احتمالاً هر داوطلبی که با کودکان محروم کار کرده باشد، شنیده است. گاه کمک کردن به خودشان سعی می‌کنند پاسخی به این سوال بدهند و معمولاً نیازی نمی‌بینند از کسی که کمک‌شان می‌کند بپرسند «چرا اینجا بی؟» کودکان می‌پرسند و اگر جواب‌تان «برای اینکه حالم خوب می‌شه» و «احساس می‌کنم به این کار نیاز دارم» باشد، بعداً است دیگر نتوانید آن کودک را همراه و همدل خود کنید. برعکس، وقتی با چنین ذهنیتی به سمت کار «خیر» بروید، محرومان را در این باور خود مستحکم می‌کنید که «ما حاشیه‌هستیم و دیگران متن...» ۵- تنها شیشه نیست که دوپایمان را به‌طرز غیرقابل جبران در مغز منتشر می‌کند. گاه کمک کردن به شیشه‌ای‌های کارتن‌خواب پایپ به‌دست‌م دوپایمان را می‌جهاند تسوی‌گ‌ها و آن وقت دیگر توی آن سرخوشی، یاد می‌رود «استفاده‌ای از آدمی فقط این نیست که کارگری را چون برده‌ای به ثمن بخت می‌کنند و هيجان زده و سرخوش می‌گویند «امشب بهترین تولدمونه به‌خاطر اینکه الان میدون شوشیم با این دوستای عزیزمون. بچه‌ها لباس و غذا آوردن واسه کارتن خواب‌ها. خیلی شب خوبی بود، این کار رو بکنید؛ چند نفری بشید راه بیفتید تو خیابونا. این قدر خوبه، غم و غصه‌های خودتون یادتون می‌ره...» توی کپشن پستش هم نوشته است: «توصیه می‌کنم این

گزارش کمیته ویژه پیگیری سانحه منتشر شد

۵ مدیر واحد علوم و تحقیقات برکنار و اخراج شدند

»

دوروز پس از حادثه غم بار دانشگاه علوم و تحقیقات تلاش مسئولان برای کاهش رنج بازماندگان ادامه دارد

التیام زخم دانشگاه باشیم

■ چه کسی دانشگاه را در ارتفاع ۱۸۰۰ متری ساخت؟

■ مصدومان نگران امتحانات نباشند
■ چرا تله کابین آدرس غلط است؟

»

گفت‌وگوی اختصاصی «فرهیختگان» با ستاره استقلال

جباروف: برای کمک به استقلال آماده‌ام

»

تمرکز بودجه ۹۸ بر فروش اوراق تبعات جدی برای اقتصاد دارد

اوراق فروشی یا آینده‌فروشی

»

چرا ضعیف‌ترین کارهای دهنمکی از «مارموز» کمال تبریزی قوی‌تر است؟

شاگرد تنبل کلاس دهنمکی

»



■ آخرین وضعیت مصدومان حادثه

بودجه ۲ درصد فرهنگی چگونه با عملیات روانی تبدیل به مساله اصلی می‌شود؟

هنر جنگ روانی به جای بودجه‌نویسی

»

